



TRIGGER

بازی سرگرم کننده تهاطری برای هیچ

(بده بستان برآیند صفر - صفر)

مترجمین این مقاله، به ترتیب ترجمه:

جناب آقای دکتر حمید صدری

جناب آقای نادر اسدی

جناب آقای آرش سرابی

ارائه شده در:

کانال تریگرها

https://telegram.me/TRIGGER_Ha

توجه داشته باشید که برخی از موضوعاتی که در طی دوره این کتاب مطرح میشود ممکن است پیروی از آنها دشوار باشد. پیروی از این موضوعات نیازمند تفکر شما در مورد بازار به گونه ایست که تا کنون در مورد آن اینگونه فکر نمیکردید.

اکثر متدهای معامله گری بر مفاهیمی استوار است که یا اثبات نشده اند یا اینکه هیچ معنی نمیدهند.

من در طول این سالها بسیاری از روشهای معامله گری را دیده ام که معامله گران را مجذوب خود کرده است چرا که برای معامله کردن خیلی آسان به نظر میرسند این روشها بسیار ساده هستند و در ذات خود به مکانیکال بودن تمایل دارند.

متأسفانه معامله در فارکس چندان هم ساده نیست. بدست آوردن پول از این بازار نیازمند اینست که شما عمیقا به تفکر در مورد نحوه عملکرد فارکس پردازید. تنها کاری که باید انجام دهید اینست که حقایق مرتبط با بازار فارکس را درک کنید. این حقایق تماما در این کتاب برای شما تشریح شده است.

مدت زمان زیادی صرف شده است تا موضوعاتی که در این کتاب به شما ارایه میشوند را کشف کنم. در ابتدا زمانی که یاد گرفتم این بازار یک محیط در مجموع صفر (بازی صفر-صفر) است نمیتوانستم درک کنم که چطور این یافته جدید را برای طراحی استراتژیهای معاملاتی یا درک بهتر بازار باید بکار بیندم. فقط اینطور به نظر میرسید که گزینه های بیشتری برای بازی کردن دارم که متفاوت تر از آن چیزی هست که قبلا به صورت آنلاین موجود بود. به هر جهت من به موقع شروع کردم به تفکر در مورد ایده ها و مفاهیمی در بازار که برای هرکسی واقعی باشد.

بسیاری از افراد میدانند که بیش از 90 درصد از معامله گران به صورت پیوسته در حال از دست دادن پولهایشان در بازار هستند و این بیانگر این نکته است که تعداد بیشماری از معامله گران دارند در زمان معامله کردن چیزی را به اشتباه انجام میدهند.

ما میدانیم که شما

ما میدانیم که شما چه زمانی در حال از دست دادن پول هستی.

ما میدانیم که شما چه زمانی وارد معامله ای خواهی شد و همچنین یک ایده بسیار عالی از محلی که حد زیان خودت را قرار میدهی داریم.

شما هنگام مطالعه این طرز فکر ممکن است با خود بگویید خوب که چی؟ این طرز فکر چه کاری قرار است با معامله گری بکند؟

این طرز فکر قرار است هر کاری با معامله گری بکند برای اینکه همه ما بخشی از یک بازار در مجموع صفر هستیم. بازاری که در حقیقت هیچ پولی در آن بدست نمی آید و یا از دست نمیرود بلکه فقط منتقل میشود.

فکر میکنید زمانی که در معامله ای برنده میشوید چه کسی به شما پول میدهد؟ کارگزاریتان یا بازار؟ بازار درست است؟ ولی بازار چه کسی است؟ بازار شامل هر کسی میشود.

اگر شما در حال استفاده از هر یک از روشهای معامله گری که در زیر فهرست شده هستید پس من میتوانم پولهایتان را از چنگتان دریاورم

حمایت و مقاومت / الگوهای کندل استیک / میانگینهای متحرک / عرضه و تقاضا / بریک اوتها(شکست ها)

من بسیار بسیار دقیق چگونگی استفاده معامله گران از این روشها را میدانم و با احتمال بالا جایی را که هنگام ورود به معامله ای حد ضررشان را قرار میدهند بلدم.

آیا با خودتان فکر میکنید که با وجود دانستن چگونگی معامله شما من یک لبه قیمتی را در بازار به شما نشان خواهم داد

(مترجم: لبه های قیمتی نقاط ورود و خروج بازار هستند که به وسیله متدهای مختلف تکنیکال محاسبه و به دست می آید و منظور نویسنده اینست که کله گنده ها به دلیل تسلط بر تمامی این روشها هیچگاه به گونه ای عمل نمیکند که شما به راحتی و دقیقا بتوانید این نقاط را پیش بینی یا پیدا کنید).



درک نحوه بازی بانک ها

تجارت در فارکس چیز است که با نام بازی صفر- صفر شناخته میشود. مفهوم آن اینست که سود یک نفر در گروه زیان فرد دیگریست.

زمانی که شما وارد معامله ای شدید که با 10000 پوند سود برای شما خاتمه یافت این پول از طرف معامله گر دیگری آمده که فکر میکرده بازار در جهتی مخالف جهت ورود شما حرکت خواهد کرد

(مترجم: به عنوان مثال شما با خرید وارد شده اید در حالیکه همزمان و در همان پوزیشن تریدر دیگری با فروش وارد شده خرید شما با فروش طرف مقابل جور شده با صعود قیمت شما وارد سود و طرف مقابل وارد زیان شده است.)

وقتی شما 10000 پوند از دست می دهید این پول اساساً توسط معامله گر دیگری برداشت میشود برای اینکه شما جهت حرکت بازار را اشتباه برآورد کرده اید. مهم است متوجه باشید که این حقیقتی برای هر کس در بازار است (برای هر کسی ممکن است اتفاق بیفتد).

مهم نیست شما معامله گری هستید که برای یک بانک کار میکنید یا به عنوان یک معامله گر خرده پا در خانه مشغول معامله هستید تنها راه بدست آوردن پول توسط شما از دست رفتن پول توسط سایر معامله گران است و بالعکس.

واقعیت اینست که در صد کمی از معامله گران هستند که واقعیت بازار فارکس را درک کرده اند.

روند ساخته شده است تا شما را وادار به از دست دادن پول نکند.

این جمله بسیار بحث برانگیز است برای اینکه من میدانم مفهوم روند به طور عمیقی در ذهن تقریباً تمامی معامله گران فارکس ریشه دوانده است.

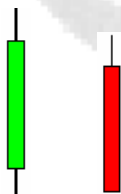
چیزی که من قصد دارم تا در طول این کورس آموزشی به شما نشان بدهم اینست که چرا تعریف و درکی که شما از روند دارید دقیقاً برای از دست دادن پول توسط شما ساخته شده است.

در زمانی که شما در حال مطالعه در خلال این کورس هستید از شما میخواهم در مورد یک چیز کمی فکر کنید.

چه زمانی یک حرکت به یک روند تبدیل میشود و آیا تمامی حرکات به عنوان یک روند قابل بررسی هستند؟

داشتن یک طرز فکر عمیق از روند به عنوان یک مفهوم کلیدی در بازار چیز است که من میخواهم شما از این کتاب برداشت کنید.

کندل‌های دارای دامنه نوسان وسیع آنهایی هستند که یک تغییر قیمتی بزرگ در بازار را نشان می‌دهند.



نمونه ای از کندل‌های نزولی و صعودی دارای دامنه نوسان وسیع

این کندل‌ها چیزی هستند که یک روند را توصیف میکنند بدون کندل‌های دارای دامنه نوسان وسیع توضیح حرکت روند دار در بازار به طرز آشکاری بسیار مشکل خواهد بود.

از زمانی که اکثر معامله گران با دیدن این کندل‌های دارای دامنه نوسان وسیع پی به میزان قدرت یک روند می‌برند این کندل‌ها نقش بسیار مهمی را در برداشت معامله گران از آنچه در بازار می‌گذرد ایفا میکنند.

بعداً در این کتاب در مورد موضوع فوق صحبت خواهیم کرد.

فعلاً موضوع مهمتری هست که شما باید در مورد کندل‌های با دامنه نوسان وسیع بدانید. زمانی که معامله گران یک کندل با دامنه نوسان وسیع می‌بینند که در بازار شکل گرفته است در مسیر حرکت کندل وارد بازار میشوند. دلیل اینکه آنها به محض دیدن این کندل‌ها وارد بازار میشوند وجود یک ویژگی شخصیتی در معامله گری به نام شخصیت واکنش پذیر است (شخصیت تاثیر پذیر).

معامله گرانی که با دیدن کندل‌های دارای دامنه نوسان وسیع سریعاً وارد معامله میشوند این کار را بر اساس هیچ روش عقلانی و منطقی از روش‌های تحلیل تکنیکال انجام نمی‌دهند بلکه این کار را به دلیل احساسات انجام می‌دهند. ترس واژه بهتری است. آنها این کندل‌ها را می‌بینند و باور دارند که اگر وارد بازار نشوند و همین الان معامله ای را ترتیب ندهند فرصت بدست آوردن پول زیادی را از دست می‌دهند.

بزرگ بودن طول میله کندل اثر زیادی را بر میزان ترس از دست دادن پول در تریدرهایی که در آن کندل ترید کرده اند، خواهد داشت. چرا که این باور را در آنها بوجود می‌آورد که شاید پول زیادی از دست بدهند.

هرچقدر سایز کندل دارای دامنه نوسان وسیع بزرگتر باشد اطمینان بیشتری به معامله گران می‌دهد از این بابت که بازار قصد دارد به سمت بالا یا پایین حرکت کند. دلیل شکل گیری حجم بالای چنین کندلی

هنگام انتشار یک خبر این است: این حجم بالای معاملات توسط معامله گران احساسی به وجود می آید اینها با دیدن وقوع یک حرکت با اندازه بزرگ میپذیرند که بازار قصد دارد قطعا در همان مسیر این حرکت را ادامه بدهد. حرکاتی را که من در شکل پایین علامت زده ام چیزی است که معامله گران احساسی(تاثیر پذیر)نوعا آنها را به عنوان فرصتهای معاملاتی میبینند



معامله گران در این نوع از حرکات برای ورود به معامله کشیده میشوند برای اینکه هربار اینگونه به نظر میرسد که بازار واقعا با قدرت در حال حرکت به سمت بالاست.

به این واقعیت توجه داشته باشید که به زودی پس از وقوع چنین حرکاتی بازار یا از حرکت می ایستد یا اینکه شروع به حرکت در خلاف جهت قبلی میکند.

این حرکات با هدف بدست آوردن پول از معامله گران تاثیر پذیر توسط بانکها انجام میشود این معامله گران تاثیر پذیر(احساسی)در سرتاسر تمامی تایم فریم ها حضور دارند حتی یک دقیقه هم اینطور فکر نکنید که چون من آنها را در چارت یک ساعته نشان داده ام به این معنی است که شما فقط میتوانید آنها را در چارت یک ساعته پیدا کنید.

شما میتوانید این حرکات بزرگ بازار با کندلهای بزرگ با دامنه نوسان وسیع را در تمامی تایم فریم ها مشاهده کنید اثری که این حرکات روی معامله گران در بازار دارند یکسان است صرف نظر از تایم فریمی که در آن بررسی میشوند.

سه فاز حرکتی در جریان تشکیل یک روند

در این فصل من قصد دارم 3 مرحله ای را که در هر حرکت جهت دار در بازار میبینید به شما نشان دهم. من با توضیح اینکه این 3 مرحله چیست و اینکه چرا در بازار اتفاق میافتند شروع خواهم کرد و سپس با ارایه مثالهایی که به طور واضح نحوه وقوع این 3 مرحله را نشان میدهند ادامه خواهم داد.

تمامی حرکاتی که یک روند را در مارکت شکل میدهند از 3 مرحله تشکیل میشوند این سه مرحله یکی پس از دیگری روی میدهد تا حرکتی که در چارتمان میبینیم را شکل دهند.

نکته:

تعریف من از روند حرکت قیمت از نقطه ای به نقطه دیگر بدون پولبک یا رنج شدن بارز است که در طی یک حرکت صورت میگیرد.

مرحله اول: عدم تعادل در سفارشات

علتی که پشت تمامی تغییرات جهت دار قیمت در بازار نهفته است عدم تعادل میباشد. علت اینکه به این نام خوانده میشود بدلیل فراینديست که لازم است در مورد قیمت اتفاق بیفتد تا جهت یا مسیر حرکت آنرا عوض کند. تنها دلیلی که میتواند مسیر قیمت را عوض کند آمدن دستوراتی به بازار است که از نظر اندازه بزرگتر از دستوراتی باشد که قیمت را در مسیر فعلی اش حرکت میدهند

(مترجم: یک حرکت بالارونده به واسطه دستورات خرید بزرگ ایجاد میشود حال اگر دستور فروشی بزرگتر از تمامی دستورات خرید وارد بازار شود تمامی خریدهای موجود را جمع میکند و چون دیگر سفارشی برای جور شدن نیست قیمت برای جور شدن با سفارشات بعدی به سمت پایین حرکت کرده و جهت را عوض میکند).

مثال:

اگر قیمت یورو/دلار در حال حاضر در حال افزایش است به این معنی است که دستورات خریدی که وارد بازار میشوند از نظر حجم و اندازه بزرگتر از دستورات فروشی هستند که همزمان وارد بازار میشوند همین طور

برای اینکه قیمت شروع به سقوط کند نیاز است تا دستورات فروشی بزرگتر از دستورات خرید وارد بازار شوند وقتی این اتفاق افتاد دستورات خرید مصرف میشوند و قیمت بدلیل عدم تعادلی که میان دستورات خرید و فروش بوجود می آید شروع خواهد کرد به سقوط.

هر زمان که شما تغییری در مسیر حرکت قیمت مبینید علت وقوع آن همین عدم تعادل است. این اتفاق در شروع تمامی حرکات بازار میافتد مهم نیست که شما در چه تایم فریمی آنرا مبینید.

مرحله دوم: نقد کردن (تسویه)

این مرحله بدلیل عدم تعادلی که در مرحله اول روی داد به وقوع میپیوندد.

در مرحله اول یک دسته از سفارشات با اندازه ای بزرگتر از اندازه سفارشات که بازار را در مسیر خودش هل میدهند وارد بازار میشود این علت ایجاد این قطعه حرکتی از برگشت قیمت است هنگامی که قیمت شروع به حرکت در مسیری عکس مسیر قبلی اش میکند معامله گرانی که سفارشات خود را در مسیر قبل از برگشت گذاشته اند شروع میکنند به نقد کردن معاملاتشان هنگامی که این معامله گران سفارشات را که قبل از برگشت گذاشته اند نقد میکنند این کار قیمت را هرچه بیشتر در جهتی که برگشته هل میدهد.

مثال:

بگذارید بگوییم قیمت یورو/دلار در حال حاضر در حال افزایش است افراد در حال گذاشتن سفارشات خرید هستند برای اینکه آنان معتقدند قیمت در آینده نیز به بالا رفتن ادامه خواهد داد حالا بانکهها با سفارشات فروش وارد شده قیمت را برگردانده و باعث سقوط آن میشوند حالا تمامی معامله گرانی که با خرید وارد شده بودند با افت بیشتر قیمت زیانشان بزرگتر و بزرگتر میشود این معامله گران شروع به بستن سفارشات خرید خود میکنند به این دلیل قیمت بیشتر و سریعتر سقوط میکند برای اینکه عدم تعادل بین سفارشات خرید و فروش بسیار بزرگتر شده است.

موضوع بسیار مهم در تحقق فاز تسویه حرکتی است که با بستن معاملات بازنده ایجاد میشود و این تماما وابسته به این است که چه تعداد از معامله گران قبل از حرکت برگشتی وارد معامله در مسیر قبلی قیمت شده اند.

مترجم:

(پس بانکها هر چقدر حرکت قبلی را با فرمی فریبنده تر ایجاد کنند) کندل‌های دارای دامنه نوسان وسیع بزرگتر و بیشتر) که میتوان گفت:

تو مو مبینی و او پیچش مو

تو ابرو او اشارت های ابرو

یا به اصطلاح خودمانی و عامیانه در خصوص کندل‌های بزرگ میتوان از واژه دون پاشیدن استفاده کرد.

هرچقدر تعداد معامله گرانی که وارد بازار در مسیر قبلی قیمت شده اند بیشتر باشد حرکت بزرگتری با تسویه کردن آنها ایجاد میشود بدلیل اینکه حجم وسیعی از سفارشات در حال وارد شدن به بازار هستند.

مرحله 3: هوشیاری

آخرین مرحله از 3 مرحله هوشیاری نامیده میشود.

مرحله سوم مجموع تمامی حرکات بازار است که توسط دو مرحله اول تولید شده است.

مرحله عدم تعادل و مرحله تسویه باعث یک حرکت به اندازه کافی بزرگ در قیمت و بازار میشوند تا افراد را به شکل گیریه یک حرکت متقاعد کنند زمانی که افراد دیدند که یک روند شکل گرفته است در جهت آن وارد معامله میشوند برای اینکه آنها به حرکت قیمت در جهت روند بیشتر از برگشت آن و حرکت در جهت مخالف احتمال میدهند.

زمانی که این افراد سفارشات خود را وارد میکنند قیمت در مسیری که در پیش گرفته بیشتر هم حرکت میکند وقتی که طی دو مرحله اول عدم تعادل میان سفارشات خرید و فروش بزرگتر شد مرحله هوشیاری شروع میشود بدین ترتیب که معامله گرانی که در مسیر حرکت قبلی معامله میکردند معاملات خود را بسته و شروع به ورود به معاملات در جهتی میکنند که بازار برگشته است.



خلاصه:

- مرحله اول با ورود دسته ای از سفارشات به بازار که بزرگتر از سفارشات است که در حال حاضر بازار را حرکت میدهند شروع میشود.
- مرحله دوم با بستن سفارشات برای جلوگیری از زیان بیشتر توسط معامله گرانی شروع میشود که قبل از برگشت وارد بازار شده بودند بدلیل این واقعیت که بازار از مسیر قبلیش برگشت داده شده است.
- مرحله سوم توسط معامله گرانی ایجاد میشود که میفهمند یک روند جدید که توسط دو مرحله اول ایجاد شده در حال شکل گیری است .

برای یک نمونه سه مرحله بالا را در مارکت با هم بررسی می کنیم

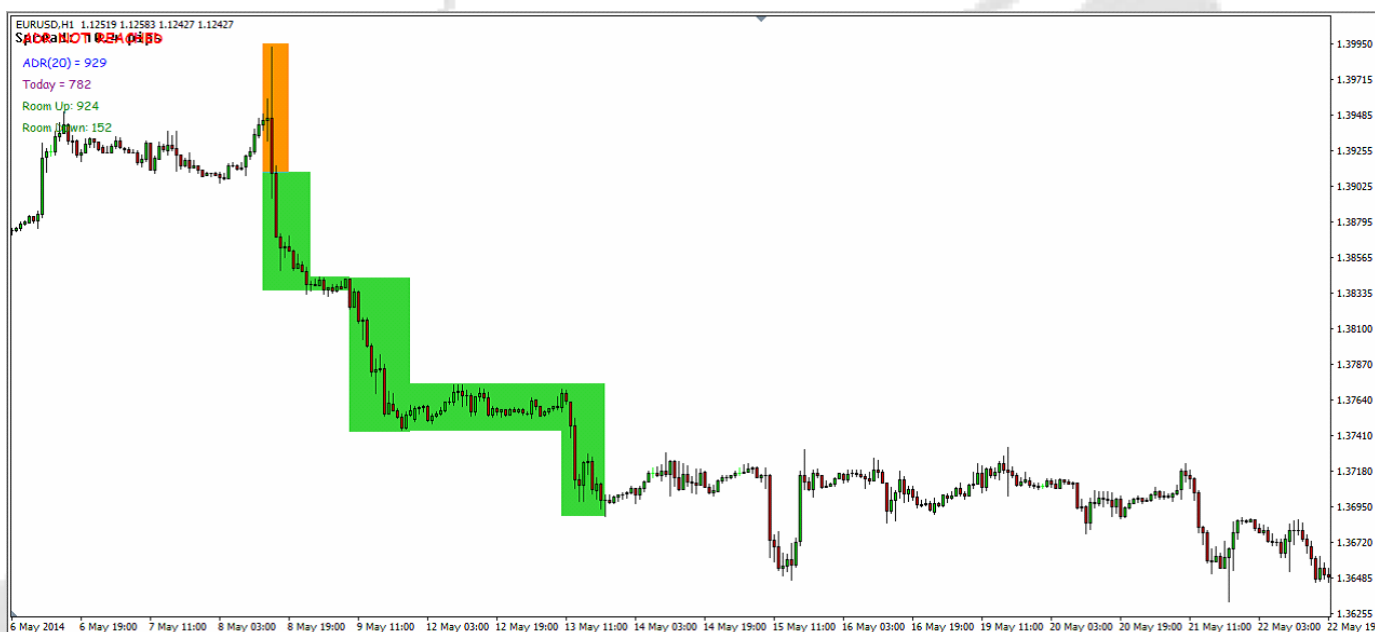


حالا من میخواهم مثالی از یک حرکت را در بازار به شما نشان بدهم که به وضوح میتوانید نحوه شکل گیری هر 3 مرحله را ببینید. در شکل بالا ما یک شروع برگشت روند را داریم که چند سال پیش در



یورو/دلار اتفاق افتاد. حرکتی که من با دو خط افقی آبی رنگ علامت زده ام از سه مرحله ای که قبلا در مورد آن صحبت کردیم پیروی میکند.

نخست ما فاز عدم تعادل را داریم این مرحله درست در ابتدای برگشت با کندلی که سطح 1.40 را میشکند اتفاق می افتد این یک کندل نزولی با یک سایه بلند روی آن است این سایه بلند با ورود بانکها و گذاشتن سفارشات فروشی ایجاد میشود که بسیار بزرگتر از سفارشات خریدی است که توسط سایر معامله گران گذاشته شده است.



بسیار خوب بیاید به ساختار قیمتی این حرکت نزولی در چارت یک ساعته نگاهی بیندازیم. از شما میخواهم به حرکت نزولی نگاه کنید که با 3 پیکان نشان داده شده است.

توجه داشته باشید که چطور فقط یک توقف کوچک در کل این حرکت نزولی که تنها چند ساعت طول کشیده است وجود دارد به علاوه نگاه کنید که چقدر سفارشات خرید کوچکی داخل این حرکت جای گرفته است.

حالا ببینید بازار پس از تمام شدن حرکتی که با پیکانها نشان داده شده است چطور پایینتر میرود ساختار آن بسیار آشفته است. حرکات رنج بسیار زیاد و تکرار شونده و طولانی هستند.

علت این است که موسسات مالی بزرگ که در نزدیکی سطح 1.40 با فروش وارد بازار شده بودند حالا شروع به برداشت سود از معامله شان کرده اند.



تنها راهی که آنها را قادر به انجام این کار میکند اینست که آنها به طریقی تعداد زیادی سفارشات فروش را وارد بازار کنند آنها نمیتوانند این کار را در مرحله اول افت قیمت که با پیکانها نشان داده شده است انجام دهند زیرا خودشان این حرکت را ساخته اند و نمیتوانند بر علیه خودشان عمل کنند آنها به سفارشات جدید فروش نیاز دارند تا وارد بازار بشود.

این سفارشات فروش توسط معامله گرانی که در سطح 1.40 با خرید وارد بازار شده بودند و قصد دارند تا معامله شان را بدلیل جلوگیری از زیان بیشتر ببندند وارد میشود. بستن پوزیشن توسط این معامله گران باعث ورود سفارشات فروش به بازار میشود چیزی که امکان برداشت بخشی از سود را به موسسات مالی بزرگ میدهد.



از شما می‌خواهم نگاهی به تصویر بالا ببینید، و تصور کنید که می‌خواهید جهت حرکت احتمالی بازار را تعیین کنید. آیا به فکر آن می‌رسید که یک روند نزولی بزرگ می‌خواهد رخ دهد؟ می‌دانم که جوابتان نه است، و می‌دانم چرا.

چون حرکت بازار به پایین هنوز برای شما آنقدر کافی نیست تا باورتان شود که یک روند واقعی بوجود آمده. از طرف دیگر در این نقطه از بازار هنوز شواهدی وجود دارد که نشان از شانس بالای بازار برای حرکت به بالاتر دارد.

هنوز لوور لویی تشکیل نشده (لوور لوی قبلی با X مشخص شده) و لذا خیلی از تریدرها هنوز معتقدند که بازار می‌تواند به بالاتر رانده شود و شاید یک ساختار تثبیت (consolidation) را بوجود آورد. ضروری است این نکته را درک کنید که هیچ‌کسی در بازار یک روند را نمی‌بیند مگر اینکه بازار در یک جهت یک فاصله بزرگ کافی را حرکت کند تا وجود روند برای معامله‌گران اثبات شود.

در ابتدای این کتاب از شما پرسیدم، در چه نقطه‌ای یک حرکت تبدیل به روند می‌شود؟ و آیا همه حرکتها در بازار روند هستند؟

جواب این است.....

همه حرکتها در بازار روند هستند، ولی نه برای همه تریدرها به صورت همزمان.

معامله گری که از تایم 5 دقیقه در چارت استفاده می کند به احتمال بالا نگرانی ای از وضعیت روند در تایم روزانه ندارد. علت آن هم این میتواند باشد که افق زمانی ای که معامله گر مذکور معاملاتش را انجام می دهد بسیار کوتاه تر از کسی است که در تایم روزانه اقدام به معاملاتش می کند.

چرا معامله گری که در تایم 5 دقیقه کار می کند باید مراقبت روند روزانه باشد ، در حالیکه معاملاتش را در چند دقیقه یا نهایتا چند ساعت به پایان میبرد؟

از سوی دیگر معامله گری که در تایم روزانه کار می کند نیز هیچ وقت دغدغه اش این نخواهد بود که در تایم 5 دقیقه وضعیت روند چگونه است ، چرا که معاملاتش را بر اساس افق زمانی متفاوتی انجام می دهد.

اما نکته ای که درک آن در مورد ستاپهای هر دو معامله گر مذکور واقعا اهمیت دارد این است که ، تصمیمی که این معامله گران بر مبنای روند در تایم فریمی که در آن کار می کنند می گیرند ، در نهایت تحت تاثیر نحوه دیدن روند توسط معامله گران در تایم فریم های دیگر قرار خواهد گرفت.

اگر یک حرکت نزولی بزرگ در تایم پنج دقیقه در چارت رخ دهد ، بسیاری از معامله گران اقدام به فروش می کنند. فروش این معامله گران ممکن است بازار به اندازه کافی به پایین براند تا معامله گران تایم یک ساعته یک حرکت جدیدی را کشف کنند که از نظر آنها یک روند جدید است و آنها را نیز متقاعد به فروش کند.

سپس فروش هایی که توسط معامله گران تایم یک ساعته وارد بازار می شود قیمت را به اندازه کافی به پایین می راند تا معامله گران تایم روزانه نیز شروع به معاملات فروش کنند ، چرا که اکنون این معامله گران فکر می کنند یک روند بوجود آمده ، و در نهایت با معاملاتشان بازار را به پایینتر می رانند. از انجایی که هر کسی دارد در یک تایم فریم متفاوتی معاملاتش را انجام می دهد، لذا هر کسی هم نسبت به سایر معامله گران انتظار متفاوتی از حرکت قیمت در بازار دارد.



قبل از اینکه روند نزولی در جفت ارز EUR/USD بخواند شروع شود اکثریت سفارشهای وارده به بازار باید خرید باشد.

چرا؟

به این دلیل که اولین حرکت به پایین قیمت از های 1.39 باید از دید بخشی از تریدرها (بوژه تریدرهای تایم پایین تر مثلا تامی 15 دقیقه و 1 ساعته) بعنوان یک روند نزولی تلقی شود. اکثریت تریدرهای فعال در تایم های روزانه و هفتگی این حرکت نزولی را بعنوان یک روند در نظر نمی گیرند ، زیرا قیمت به اندازه کافی برای آنها افت نکرده که بخواهند به عنوان وجود یک روند نزولی به آن فکر کنند.

نکته بعدی که باید در نظر بگیریم اینست که معامله گران تایم فریم های بالاتر مثل روزانه و هفتگی ، پس از حرکت نزولی اولیه قیمت از های 1.39 ، احتمالا معاملات بازنده و در ضرر رفته خودشان را نبسته اند. علت این امر بر می گردد به افق دید زمانی آنها و حد تحمل ریسک این تریدرها.

افرادی که در تایم روزانه اقدام به معامله می کنند نسبت به حرکات قیمت حساسیت متفاوتی نسبت به معامله گرانی که در تایم یک ساعته کار می کنند دارند. بعنوان مثال ، یک کندل بزرگ نزولی که در تایم روزانه شکل بگیرد باعث می شود تریدرهای تایم روزانه به آن واکنش نشان دهند و معاملاتی را در واکنش به آن انجام دهند. این در حالیست که تریدرهایی که در سایر تایم فریم ها کار می کنند این کندل بزرگ را به شکل یک روند نزولی کوچک می بینند و ممکن است واکنش یکسانی مثل تریدرهای روزانه به این وضعیت نشان ندهند.

آخرین نکته مهمی که باید درک کنید اینست که معامله گران حرفه ای چگونه سود خود را از بازار بر می دارند.

اگر صد هزار یورو در نقطه ای از بازار که با تیک های مشخص شده فروختید . در زمانی که بازار به لوی روند نزولی برسد ، معامله شما اکنون باید در حدود یک میلیون در سود باشد. که معنی ان اینست که شما نیاز دارید که سفارشات فروشی به بازار وارد شود که در مجموع یک میلیون باشد تا شما بتوانید معامله را ببندید و سودتان را برداشت کنید.

برای اینکه چنین اتفاقی بیافتد نیاز به این هست که افراد زیادی اقدام به فروش کنند. و تنها دلیلی که افراد زیادی را متقاعد به شروع به فروش میکند اینست که آنها ببینند که روند نزولی در بازار بوجود آمده است.

خوب تریدرهای حرفه ای ما اکنون نیاز به تعداد زیادی از تریدرها دارند که در جهت خواست آنها فروش کنند تا حرفه ای ها بتوانند معاملاتشان را ببندند و سودشان را برداشت کنند.

اصلی ترین تفاوت میان نحوه ترید موسسات مالی بزرگ با ترید کردن ما ، اینست که موسسات مالی بزرگ نیاز به تعداد زیادی از تریدرها دارند که برخلاف جهت این موسسات عمل کنند تا این موسسات بتوانند کاری که می خواهند را انجام دهند.

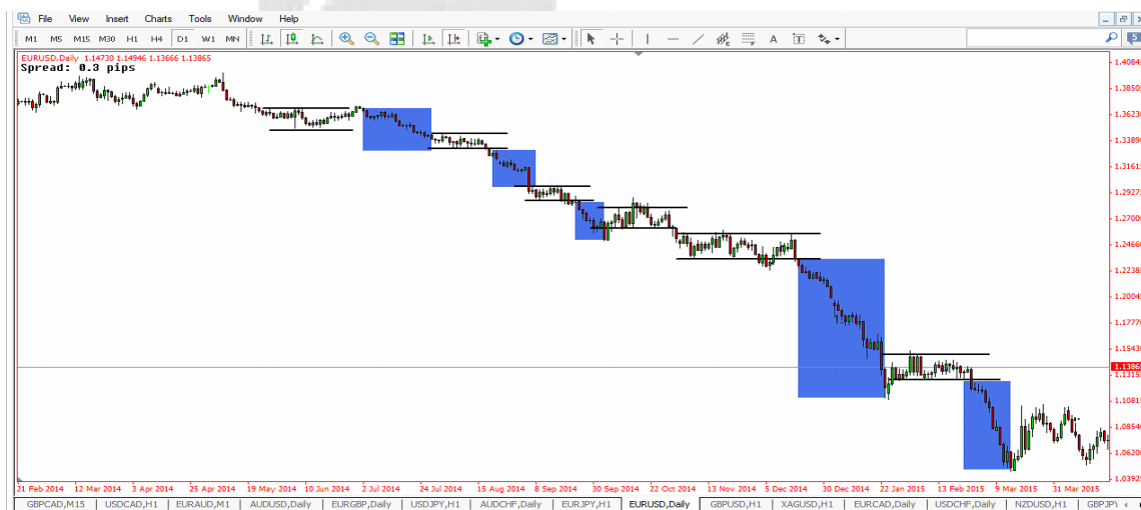
برای مثال اگر یک بانک بخواهد 10 میلیون یورو بفروشد، نیاز خواهد داشت که عده زیادی از تریدرهای دیگر 10 میلیون یورو بخرند، و اگر سفارش مخالف آنها به میزان کافی در بازار نباشد ، بانک نخواهد توانست معامله خود را انجام دهد. چرا که سفارشات جور برای سفارش خود نمی یابد.

توضیحات فوق نشان می دهد که چرا برای بانکها و موسسات مالی بزرگ حیاتی است که اطمینان حاصل کنند که تریدرهای خرده پا درک اشتباهی از مفهوم روند داشته باشند.

بانکها نیاز دارند که تریدرهای خرده پا تریدهایشان را در اواخر عمر روند انجام دهند ، چرا که اگر چنین نکنند بانکها قادر نخواهند بود تا سودهایشان را برداشت کنند و حرکت های بعدی قیمت در جهت روند این سودها بیشتر خواهد شد و کار برداشتشان سخت تر.

تنها الگوی فراکتال در بازار

شاید شما چیزهایی در مورد فراکتال ها قبل از یادگیری فارکس شنیده باشید. اما چیزی که الان میخوایم به شما نشان دهیم آن فراکتالی نیست که در کتاب **بیل ویلیامز** خوانده اید. فراکتالی که می خواهم توضیح دهم الگوی فراکتالی روانشناسی در بازار است.



تصویر فوق از چارت روزانه جفت ارز EUR/USD گرفته شده است. که در آن یک روند نزولی بزرگ در طی چند سال را شاهد هستیم.

میبینید که من هر حرکت نزولی جداگانه ای را در این روند نزولی با مربع آبی نشان داده ام. هر کدام از این حرکت های نزولی سه فازی را که قبلا با هم صحبت کردیم را گذارانده اند. (عدم تعادل ، نقد شوندگی ، و آگاهی)

حال از شما می خواهیم به نواحی تثبیت (consolidation) که بین حرکت های نزولی رخ داده اند نگاه کنید.

این نواحی تثبیت دلیل ایجاد هر کدام از حرکت های نزولی است. زمانی که بازار از حرکت در یک جهت خاص متوقف می شود و وارد یک ناحیه تثبیت می شود ، در این مواقع تقریبا همیشه تریدرهای ریورسال فکر می کنند که بازار آماده شده تا در یک جهت مخالف ادامه مسیر بدهد. علاوه بر این، در نواحی تثبیت، آن دسته از ترند تریدرهایی که دیر روند را گرفته اند را مجبور می کند که تریدشان را با ضرر ببندند چرا که بازار در ابتدای ورود به منطقه تثبیت یک سویینگ به بالا در خلاف جهت روند را ایجاد میکند و استاپ ترند تریدرهای تازه وارد را می زند. نتیجه رفتار دو دسته تریدرهای اخیر این می شود که دو سری سفارشات خرید وارد بازار می شود:

سفارشات خریدی که از سوی تریدرهای ریورسال وارد بازار می شوند چرا که فکر می کردند بازار از این نقطه بر می گردد و سفارشات خرید دیگری که از بسته شدن معاملات بازنده فروش ترند تریدرهای تازه وارد به بازار می آید.

این سفارشات خرید همان چیزی است که معامله گران بانکی از آنها به منظور قرار دادن سفارشات فروش شان در جهت روند نزولی استفاده می کنند.

این نکته مهم است که بخاطر بسپارید ، اینکه مناطق تثبیتی که پیدا شده اند در کجای روند باشند ، بر تصمیم گیری بانکها در نحوه استفاده از سفارشات بوجود آمده توسط تریدرهای ریورسال و ترند تریدرها اثر گذار است.

اگر می بینید که منطقه تثبیت در ابتدای یک روند است ، احتمال قوی این خواهد بود که معامله گران بانکی از این مناطق در جهت ادامه روند استفاده نمایند.

اگر دیدید منطقه تثبیت در اواخر عمر یک روند است (روندی که مدت زمان زیادی از تشکیل آن گذشته است) به احتمال زیاد منطقه تثبیت توسط بانکها صرف برداشت سود و بستن معاملاتشان می شود. برای اینکه علت این موضوع را بفهمیم ، باید به مطالبی که پیشتر گفتیم بازگردیم.

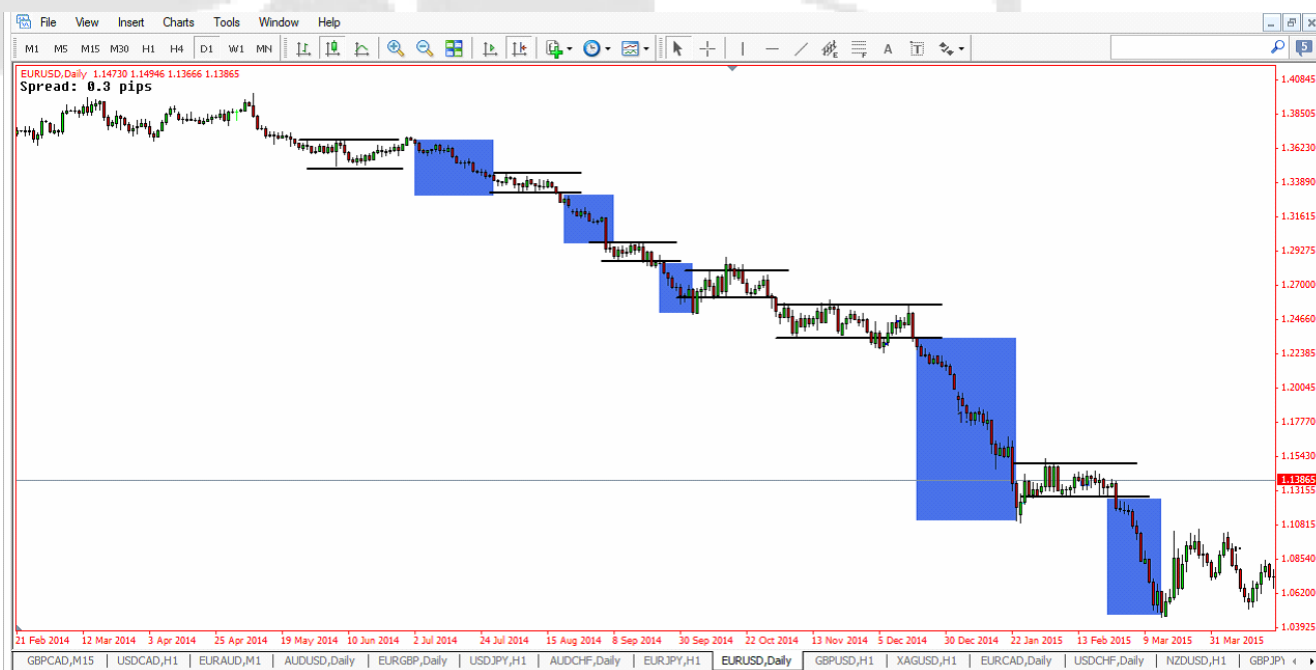
با افزایش طول زمان روند افراد و تریدرهای بیشتر و بیشتری از وجود آن آگاه می شوند و این یعنی افراد بیشتری شروع به خریدن یا فروختن در جهت روند می کنند.

در مراحل ابتدایی روند هنوز کسی در بازار متوجه ایجاد این روند نشده است، و بسیاری از افراد حاضر در بازار این حرکت بالا یا پایین را یک حرکت اصلاحی ، روند قبلی می پندارند.

و این یعنی اکثریت تریدرها شروع به گذاشتن معاملاتشان در جهت روند جدید نکرده اند و به جای آن معاملاتشان را در جهت روند قبلی دارند قرار می دهند.

در مورد روند نزولی جفت ارز EUR/USD ، در آن زمان افراد دیده بودند که بازار دارد برای یک مدت طولانی نزول می کند و لذا تریدرها با وقوع هر اصلاح و یا تثبیتی باز هم اقدام به فروش می کردند چرا که فکر می کردند این حرکت و روند نزولی ادامه پیدا می کند (و این اعتقاد آنها به خاطر حرکت بزرگ نزولی در طول مدت زمان زیاد بود)

اگر به تصویر روند نزولی جفت ارز EUR/USD ، در ذیل نگاه کنید، خواهید دید در میانه نمودار در جایی دو منطقه تثبیت رخ داده ، این دو منطقه بلافاصله بعد از هم قراردارند و یک حرکت نزولی کوچک بینشان وجود دارد.



از آنجایی حرکت نزولی خاصی وجود نداشته و یا حرکت خیلی کوچکی بین دو منطقه تثبیت رخ داده باعث شده که بازار برای مدت زیادی بدون روند بنظر برسد. طول کشیدن زمانی که بازار فاقد روند است باعث شده که افراد بیشتری فکر کنند که بازار از این نقطه می خواهد برگردد و حرکت صعودی را شروع کند. و این بدوا بدین معنا است که افراد بیشتری با سقوط قیمت به پایین تر پولشان را از دست داده اند. به حرکت نزولی ای که پس از این دو منطقه تثبیت رخ داده نگاه کنید. خواهید دید که این نزول بزرگترین حرکت نزولی در میان سه حرکت قبلی است. و علت آن اینست که تریدرهای بسیار زیادتری نسبت به مناطق تثبیت قبلی زمانی که قیمت نزول کرده معاملات بازنده شان را بسته اند. و این تعداد تریدرهای بازنده به خاطر مدت زمان بیشتری که منطقه تثبیت طول کشیده وارد آن شده اند.

ساختاری مشابه خود

خوب حالا می خواهیم نگاه عمیقتری به بعضی از حرکات نزولی که در تصویر فوق با باکس های آبی مشخص کردم داشته باشیم



تصویری که در بالا مشاهده میکنید مربوط به آخرین حرکت نزولی در چارت قبلی است که در اینجا آن را در تایم یک ساعته برایتان نشان داده ایم. (توجه دارید که چارت قبلی تایم روزانه بود)

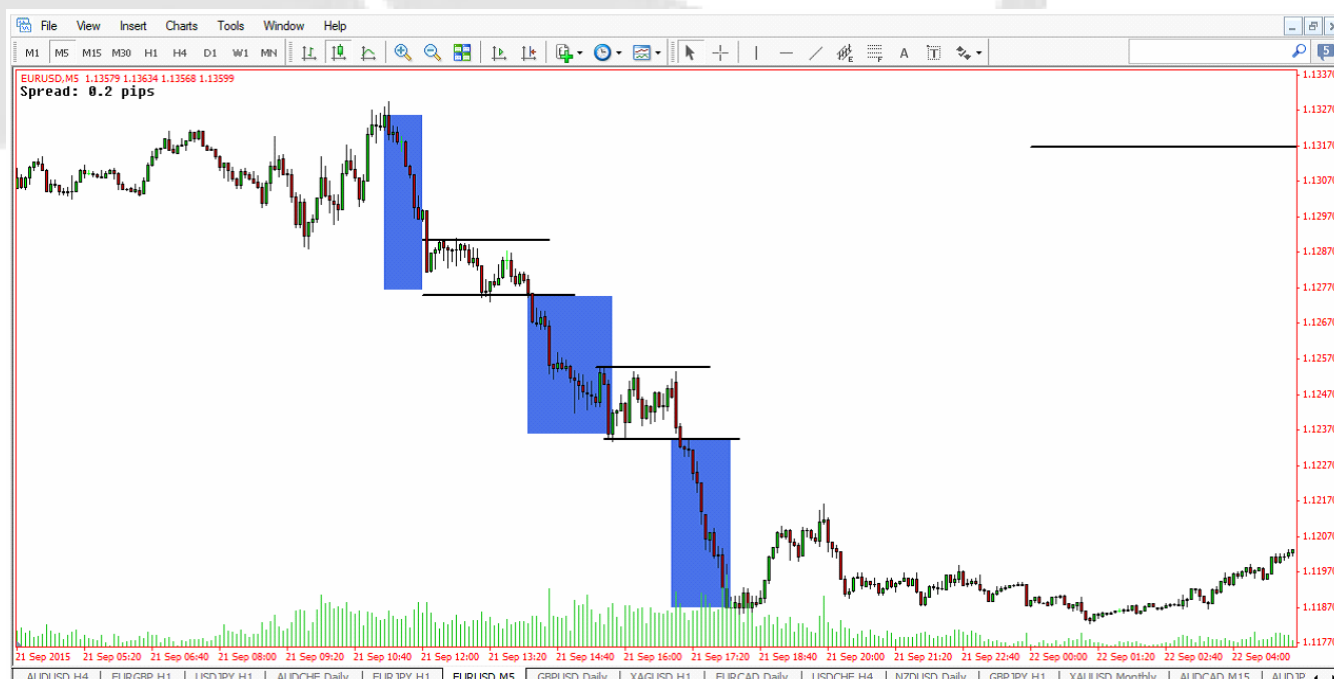
می توانید ببینید که این حرکت نزولی (منظور آخرین حرکت نزولی چارت روزانه که در چارت روزانه با باکس آبی مشخص شده بود می باشد) خودش از ساختارهای دقیقا مشابهی که در کل یک روند نزولی را بوجود آورده اند در تایم یک ساعته تشکیل شده است.

و در این تایم هم میبینیم که حرکت قیمت به پایین شامل مناطق تثبیت (consolidation) می باشد. آنچه در این حرکت نزولی رخ داده دقیقا مشابه چیزی است که در چارت روزانه دیدیم و تنها تفاوتش اینست که این اتفاق برای عده کمتری از تریدرها رخ داده است.

هر حرکتی به پایین شامل سه فازی که قبلا صحبت کردیم بوده و طول و مدت ریزش قیمت وابسته به تعداد افرادی بوده که وقتی قیمت از ریزش متوقف شده (در مرحله تثبیت یا اصلاح) سفارشات خرید قرارداده اند.

توجه به این نکته مهم است که در این نقطه از روند نزولی تریدرها زمانی که قیمت شروع به تثبیت می کند زیاد به فکر خریدن نیستند ، چرا که دیگر در تمام تایم فریم به طور واضح می توان دید که بازار در یک دوره زمانی معنی داری در روند نزولی است .

زمانی که قیمت برای یک مدت طولانی در یک جهت حرکت کند ، تریدرها به طور خودکار شروع می کنند به فروش در هر حرکت به بالا و به پایینی که می بینند ، چرا که باور دارند که روند ادامه خواهد داشت.



حالا میریم نگاهی ببینیم به حرکت نزولی در چارت 5 دقیقه که قسمتی از حرکت نزولی بزرگتری است که قبلا در چارت یکساعته با هم دیدیم.

به طور شگفت آوری حتی در تایم فریمی به کوچکی پنج دقیقه نیز این ساختار را بوضوح می توان دید.

در واقع فرایند مشابهی برای دسته کوچکتری از تریدرها بوقوع پیوسته است.

علت اینکه ساختار روند را در تایم های یکساعته و پنج دقیقه به شما نشان دادم ، این است که نشان دهم چگونه ، معامله گران با تیپهای مختلف همدیگر را در بازار تحت تاثیر قرار می دهند.

عملکرد تریدرها در تایم فریم های پایین مثل چارت یک دقیقه و پنج دقیقه حرکتی را در بازار بوجود می آورد که تریدرهای تایم فریمهای بالاتر نظیر نیم ساعته و یکساعته را تحت تاثیر قرار می دهد.

سپس تریدرهای تایم فریم های بالاتر به حرکتی که توسط تریدرهای تایم های یک دقیقه و 5 دقیقه بوجود آمده واکنش نشان می دهند و باعث حرکت قیمتی ای در چارت می شوند که از نظر تریدرهای تایم های روزانه و هفتگی به قدری کافی است که بتوانند معاملاتشان را قرار دهند.

لذا بازار این طوری کار میکند. عمل هر شخصی در بازار ، اثر و علتی مرتبط با همه تریدرهای بازار دارد.

حرکات نزولی که در صفحات دیگر دیدیم همگی از ساختار مشابه حرکات نزولی در تایم فریم های بالا دارند.

ترید در روند و ترید در برگشت بازار:

اکثر تریدرها به یکی از دو روش ترید در روندها و ترید در اصلاحها یا برگشت های بازار ترید می کنند . مادر این قسمت به تشریح این دو روش می پردازیم و مزیت های آنها را توضیح می دهیم.

تریدرهایی که در روند معامله می کنند:

این دسته از معامله گران صبر می کنند تا یک روند شروع شود و سپس در جهت آن روند معامله می کنند ایا اشخاصی که در روندها ترید می کنند می توانند از همان روش برای ترید در مواقعی که بازار در جا می زند استفاده کنند؟

خیر چون ساختار حرکتی تفاوت دارد، اشخاصی که در روند ها ترید می کنند باید مدتی به چارت نگاه کنند و مطمئن شوند قیمت مدتی است در حال صعود یا در حال نزول است و سپس اقدام به خرید یا فروش کنند. و باید حرکت قیمت را حتما ببینند.

ایا افرادی که در روندها معامله می کنند می توانند با دیدن شکل زیر در نمودار اقدام به معامله و خرید کنند؟



به چون در این حالت بازار حرکت کرده است و پتانسیل برای ورود پول های زیاد و کسب سود وجود دارد.

نکته قابل توجه این است که اگر شما در تایم 15 دقیقه ترید کنید و این حالت در نمودار بوجود بیاید می توانید نتیجه بگیرید که یک روند در حالت شکل گیری است ولی اگر در تایم روزانه ترید می کنید نتیجه متفاوت است و شما شکل دیگری را خواهید دید به صورت زیر:



ایا می شود این حرکت را در تایم روزانه به عنوان آغاز یک روند در نظر گرفت؟

خیر زیرا در تایم فریم روزانه این حرکت بسیار کوچک است. ولی در تایم فریم های پایین این حرکت یک علامت قابل توجه برای شروع یک روند است که به معنی شروع یک حرکت بزرگ است. به طور مثال شخصی را در نظر بگیرید که با برخورد دو خط میانگین متحرک وارد بازار می شود و ترید می کند اگر این شخص در تایم فریم 15 دقیقه معامله کند این حرکت انقدر بزرگ هست که دو خط میانگین متحرک باهم برخورد کند و سیگنال ورود بدهد ولی در تایم فریم روزانه به هیچ وجه دو خط میانگین متحرک با هم برخورد نکرده اند و سیگنال ورود داده نشده است. اما روشهای مختلفی در ترید با روند هست بعضی از تریدرها در

جهت روند ترید می کنند و هنگامی که روند بطور موقت اصلاح میکند از معامله خارج می شوند یا حجم معامله را کم می کنند ولی برخی دیگر هنگامی که یک روند وارد فاز اصلاح می شود در اصلاح ها معامله می کنند و برخی دیگر هم در روندها ترید می کنند و هم در اصلاح ها که نتیجه تجربه و تمرین زیاد است.

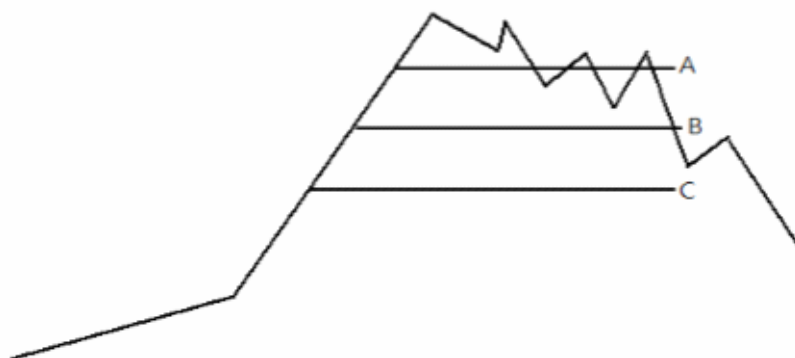
تریدرهایی که در اصلاح روند معامله می کنند:

حال اگر افرادی که در هر دو حالت بازار اقدام به معامله می کنند با حالت زیر مواجه بشوند چه اقدامی انجام می دهند؟



جواب این است که بستگی به حرکت قبل از این دارد.

اگر قبل از اینکه چارت بصورت بالا در بیاید نمودار مدتها بصورت صعودی حرکت می کرده انگاه این دسته از معامله گران وارد خرید می شوند. و اگر قبل از اینکه نمودار به حالت زیر دربیاید نزولی حرکت میکرده انگاه این دسته از معامله گران اقدام به فروش خواهند کرد زیرا اعتقاد دارند نمودار دوباره پس از اصلاح به صورت نزولی حرکت خواهد کرد.



شکل بالا نشان می دهد که تریدرها چگونه ترید می کنند.

در ابتدای حرکت که روند صعودی است و تریدرها با کشیدن خطوط و مستطیل ها، مناطقی که قبلا قیمت به آن مناطق واکنش نشان داده را مشخص می کنند و در برخورد نمودار به آن مناطق و برگشت نمودار وارد خرید می شوند تا سود کسب کنند.

بعد قیمت نزول پیدا می کند و منطقه A می رسد که نگران کننده نیست و اکثریت تریدرها در این مرحله اعتقاد دارند که نمودار دوباره به روند صعودی خود ادامه خواهد داد.

اما قیمت با کندل های بزرگ و حرکات بزرگ و سریع به منطقه B سقوط می کند که به مراتب حرکت نزولی قویتری از A است و اکثریت معامله گران دچار شک و تردید می شوند و احتمال قوی ای می دهند که روند عوض شده است و تریدرها احتمال کمتری برای برگشت بازار به روند صعودی را می دهند. حال اکثریت تریدرهایی که در جهت روند معامله می کنند مجددا خطوط حمایت و مقاومت جدید رسم می کنند و اقدام به فروش می کنند.

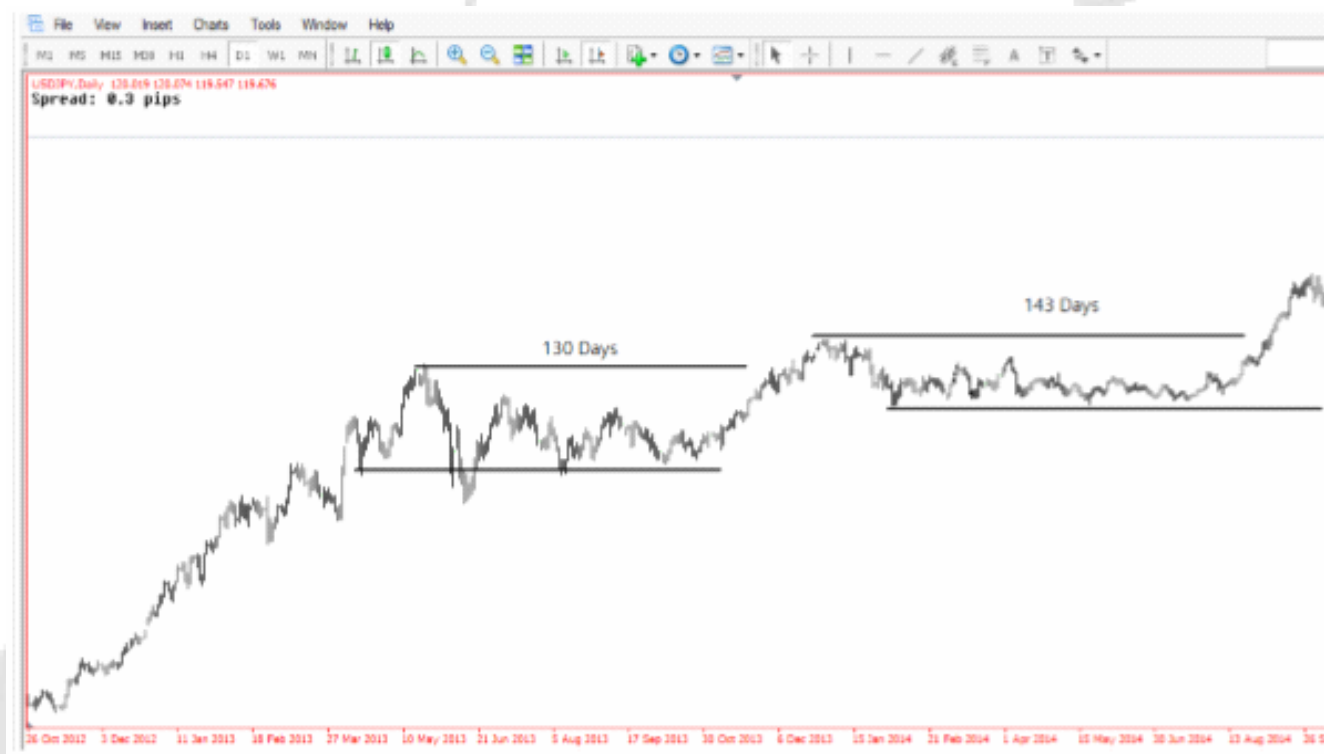
خیلی از تریدرها جهت روند را در تایم فریم بالاتر تشخیص می دهند مثلا روزانه و اقدام به ترید در جهت تایم فریم پایین می کنند مثلا یکساعت و حتی اگر ببینند جهت روند در تایم یکساعته عوض شده است به خاطر اینکه جهت روند در تایم روزانه عوض نشده است پوزیشن های خود را باز نگه میدارند تا در نهایت انقدر نمودار در تایم یکساعت به روند خود ادامه می دهد تا معامله گران به این نتیجه می رسند که روند عوض شده است یا به نقطه ای نمودار می رسد که معامله گران آن نقطه یا محدوده را بعنوان محدوده عوض شدن جهت نمودار در نظر گرفته اند و معاملات قبلی خود را میبندند و اقدام به باز کردن معاملات جدید می کنند.

دقت کنید فرض کنید من حدس میزنم که جهت نمودار در حال عوض شدن از حالت صعودی به نزولی است و با توجه به این باور که روند از حالت صعودی به نزولی تغییر پیدا می کند سفارش فروش قرار دهم و تمام معاملات فروش من یا بخشی از آن ها وارد ضرر شود. و نتیجه ای که من میگیرم این است که برداشت من راجع به این موضوع که جهت نمودار در حال تبدیل به نزول است اشتباه بوده است، و اقدام به گذاشتن سفارش خرید به جای سفارشات فروش خواهم کرد.

اما چه مشکلی پیش می آید؟ روند صعودی احتمالا در اواخر حرکت خود است و زمان برای گرفتن سفارش خرید از دست رفته است و من دوبار وارد ضرر خواهم شد

درک تاثیر زمان :

بحث اثر گذاری زمان در ترید یکی از بحث های طولانی است. ولی من با قطعیت به شما می گویم که زمان در انجام معاملات بسیار تاثیر گذار است. اکثر مردم با دیدن یک حرکت قوی شروع به ترید در آن جهت می کنند با این گمان که این روند تا ابد ادامه خواهد داشت و و ناگهان بانک ها وارد می شوند و سفارشات بزرگی در خلاف جهت میگذارند. و بزرگترین سقوط ها در بازار نیز به این دلیل به وجود آمده اند .



شکل بالا دو حالت رنج که در روند صعودی نمودارین ایجاد شده مشخص شده است. دقت کنید به زمانیکه هر کدام از دو حالت طول کشیده است.

بازار در مجموع دو حالت 273 روز در جا زده است حال این در جا زدن طولانی چارت چه اثری روی تریدرها گذاشته است . خریدارانی که در جهت روند صعودی قبل معامله می کردند با این در جا زدن طولانی دچار خواب سرمایه می شوند و تریدرهایی که در این بازار ترید نمی کردند و تازه میخواهند شرایط بازار را برای ورود به بازار بررسی کنند فراموش می کنند یا در نظر نمیگیرند روند صعودی قبل را.

اگر در جا زدن نمودار مدت زیادی ادامه پیدا کند تریدرها به این باور می رسد که این در جا زدن ادامه پیدا خواهد کرد . و یا به احتمال زیاد روند صعودی قبلی به پایان رسیده است و باعث می شود که خریداران از بازار خارج شوند و فروشندگان وارد بازار شوند در نهایت این خواسته بانک ها است که فروشندگان زیادی

وارد بازار شوند تا سفارشات خرید خود را وارد بازار کنند و ناگهان بازار حرکت صعودی خود را مجدداً آغاز خواهد کرد و فروشندگان ضرر خواهند کرد. این یک مثال نیست بلکه در تمام جفت ارزها بصورت حقیقی این داستان را می‌توانید مشاهده کنید که به دفعات زیاد اتفاق افتاده است. روند نمی‌تواند به حرکت خود ادامه دهد مگر اینکه تعداد زیادی از تریدرها ضرر کنند و برای ضرر کردن تریدرها باید مناطق رنج و اصلاح بوجود بیاید در اصلاح‌ها طول و شتاب اصلاح میزان افرادی که ضرر می‌کنند را مشخص می‌کند همچنین جهت آینده روند را مشخص خواهد کرد.

اگر زمان یک منطقه رنج زیاد شود و تریدرها متقاعد شوند که این حالت شاید مدت‌ها ادامه پیدا خواهد کرد. افراد بیشتری در انتهای منطقه شاید که بازار جهت اصلی خود را ادامه خواهد داد ضرر می‌کنند. یک حالت دیگر که پیش می‌آید وقوع همزمان اصلاح و حالت شاید در بازار است. بگذارید یک نگاهی به روند صعودی بین‌اندازیم و منطقه‌ساییدی که در اصلاح تشکیل شده است را در ابتدای روند صعودی بلند مدت مشاهده کنیم.



فکر می‌کنید هدف از این اصلاح بزرگ چه بوده است؟

اول اینکه پول هایی که خریدارها بدست آورده اند را از دست بدهند. دوم اینکه تریدرها با دیدن این روند نزولی قوی شروع به فروش می کنند و وقتی این روند نزولی ادامه پیدا می کند بیشتر مشخص می شود و در تمام تایم فریم ها نزول مشخص می شود و فروشنده ها در تمامی تایم فریم ها وارد می شوند



این نمودار بین در تایم فریم روزانه است و فلش آخر و دو خط موازی در آخر همان اصلاح و حالت سایه را که در قبل صحبت کردیم نشان می دهد . به نظر شما تریدرها با دیدن این چارت فکر می کنند که ادامه روند به چه صورت خواهد بود؟

نزولی، چرا؟

چون در تایم فریم بالاتر که هفتگی است هنوز سقف جدیدی تشکیل نشده است . بانک ها این باور را تقویت می کنند تا فروشندگان بیشتری برای سفارشات خرید خود پیدا کنند. بانک ها سفارشات خرید بزرگ خود را می خواهند در پایین ترین نقطه وارد بازار کنند یعنی درست جایی نزدیک سفارش خرید اولیه و به همین دلیل به فروشندگان زیادی جهت پایین بردن قیمت تا نزدیکی سفارش خرید اولیه دارند. بانک ها می دانند که اگر محل سفارش خرید مجدد دور باشد به اندازه کافی سفارش فروش وارد می شود تا اینکه سفارشات فروش کم می شود و آنها می توانند سفارشات خرید خود را قرار دهند .

چگونه تریدرها متوجه می شوند که یک روند آغاز شده است؟

امیدوارم تاکنون به شما درک درستی راجع به اینکه چطور در روندها شما را فریب می دهند و باعث می شوند پول از دست بدهید داده باشم. در این قسمت میخواهم راجع به شروع شدن یک روند صحبت کنم.



به واکنش قیمت در ناحیه ای که با دوخط موازی مشخص کردم در نمودار یورو دقت کنید. آیا شما اثری یا نشانه ای از صعود می بینید؟ اما ادامه چارت را ببینید:



به قسمتی که نمودار در حالت سایه است و بین دوخط موازی است دقت کنید . شما آغاز روند صعودی را از چه نقطه ای می دانید؟ از نقطه ای که خط بالایی شکسته است؟ اکثر معامله گران آغاز روند را از اینجا می دانند. تا زمانی که خط بالایی شکسته نشده ما یک سیگنال قوی برای شروع روند نمی بینیم ولی وقتی خط بالایی با یک کندل بزرگ صعودی شکسته می شود ما این را آغازی برای شروع یک روند جدید در نظر می گیریم. بسیاری از تریدرها به دلیل اینکه HIGHER HIGH تشکیل شده است نتیجه می گیرند که روند صعودی شده است و اقدام به خرید می کنند .



اما در ادامه روند دوباره به سادگی میریزد و روند صعودی تبدیل به روند نزولی می شود. به حرکت بزرگ صعودی دقت کنید این حرکت بزرگ در تایم دیلی به خوبی مشخص است و افرادی که در تایم فریم دیلی ترید می کنند با دیدن چنین کندلی و اینکه نمودار در مدت کوتاهی چنین رشد صعودی بزرگی کرده است وارد خرید می شوند سپس سفارش های خرید که به اندازه کافی وارد بازار شد بانک ها با سفارشات فروش بزرگ وارد میدان می شوند.

حرکات بزرگ این چینی که با شتاب بالا می روند و هیچ اصلاحی نمی کنند یا در بن راه هیچ حالت سایدی به خود نمی گیرند معمولا می شکنند و بر می گردند.

اما روندها برای ادامه پیدا کردن نیاز به اصلاح و در جا زدن دارند وقتی در نمودار اصلاح یا در جا زدن نمی بینیم یعنی کسی ضرر نمی کند چون نمودار هیچ اصلاحی نکرده است پس نتیجه می گیریم روند قرار نیست ادامه پیدا کند. بانک ها شروع به فروش میکنند تا دوباره به ناحیه ای که نمودار در قبل در جا میزده برسند اگر

انها به فروش در منطقه ای که در قبل نمودار سایید بوده ادامه دادند و نمودار قسمت سایید را شکست نشانه اتمام روند نزولی به زودی است به این معنی که نمودار به زودی به حالت سایید یا اصلاح خواهد رفت و بعد از ان دوباره یا روند فعلی را ادامه می دهد یا بر می گردد.



به خط ابی توجه کنید که در هر بار رسیدن چارت به این خط بانک ها با قرار دادن سفارش فروش باعث ریزش قیمت شده اند. به شکست جعلی خط ابی توجه کنید بانک ها با ایجاد این شکست جعلی بسیاری خریدار برای سفارشات فروش خود پیدا کرده اند و هنگامی که خریداران با شکست جعلی وارد ترید می شوند با نزولی شدن نمودار در ضرر می روند و مجبور به بستن سفارشات خرید خود می شوند که بستن پوزیشن های خرید یا استاپ خوردن آنها باعث تقویت روند نزولی می شود. یکی از ساده ترین راههای بدست آوردن سرمایه و جذب نقدینگی بریک اوت جعلی است.



نمودار بالا نمودار یورو در تایم فریم روزانه است وقتی روند نزولی برای تریدرها قطعی میشود که نمودار خط افقی نشان داده در شکل را به سمت پایین می شکند.



نگاه کنید بعد از شکستن خط افقی چه اتفاقی میافتد؟

بعد از شکست خط نمودار شروع به در جازدن می کند که بالا ترین نقطه قسمت سایه نزدیک خطی است که شکسته شده است. این تصادفی نیست وقتی نمودار در جا میزند فروشنده با دیدن این HIGH که نزدیک خط شکست است گمان میکنند که روند صعودی شده و پوزیشن های فروش خود را می بندند. با بستن سفارشات فروش فروشنندگان خریدارها وارد بازار می شوند و وقتی خریدارها وارد بازار شدند بانک ها برای سفارشات فروش خود سفارشات خرید تازه دریافت می کنند و نمودار شروع به ریزش می کند. هنگامی که نمودار شروع به ریزش می کند و به خط پایین ناحیه ای که نمودار در حالت سایه است می رسد عده ای از خریداران با توجه به اصل خرید در حمایت وارد بازار می شوند و وقتی که نمودار خط پایین را می شکند استاپ آنها میخورد و با خوردن استاپ آنها روند نزولی قدرت بیشتری می گیرد.

کندل اینگلفینگ:

اکثریت تریدرها راجع به این کندل و شکل آن و نحوه ورود و ترید با آن اطلاعات دارند. اما چیزی که نمی دانید این است که یکی از مهمترین کندلها کندل اینگلفینگ است زیرا نحوه حرکت بازار را نشان می دهد. اکثریت تریدرها کندل اینگلفینگ را با روش ترید خود ترکیب میکنند(فیو یا عرضه و تقاضا یا ساپورت و رزیستنس یا میانگین متحرک یا الگوهای کندلی و ...). اما این روشها و این نوع استفاده یک مشکل بزرگ دارد و آن هم این است که در بازار همیشه عده ای در حال دست دادن پول خود هستند و عده ای در حال به دست آوردن پول و این روش معامله به ما زمان از دست دادن و استاپ خوردن معامله گران را نشان نمی دهد. آن چیزی که من میخوام به شما بگویم این است که شکل کندلی اینگلفینگ مهم نیست بلکه اتفاقی که در بازار میافتد و نتیجه آن شکل گیری الگوی اینگلفینگ در نزدیکی سطوح است مهم است.

شما اساسا برگشت نمودار از یک سطح را نمیتوانید پیش بینی کنید تا زمانی که برگشت نمودار را با چشم ببینید و اولین فاز برگشت از روی یک سطح و شروع یک روند جدید عدم تعادل بین عرضه و تقاضا است و بزرگ شدن یکی از این دو نسبت به دیگری که این امر ناشی از سفارشات است که از قبل در بازار قرار داده شده است. و معمولا در ناحیه ای که نمودار برگشت را آغاز می کند در نمودار پیچیدگی زیادی را می بینید. هدف ما ورود در فاز دوم است. ما نمی توانیم زمان بازگشت از سطح را پیش بینی کنیم ولی می توانیم عملکرد بهتری نسبت به بقیه تریدرها داشته باشیم. اگر ما قبل از شروع فاز دوم حرکت ترید کنیم سود بیشتری را نسبت به مابقی تریدرها به دست می آوریم. چون در نقاطی وارد می شویم که اکثر تریدرها در حال بستن پوزیشن های خود هستند و اینکار باعث حرکت کردن سفارشات ما به سمت تارگت با سرعت خواهد شد. یعنی ما بعد از بسته شدن سفارشات دیگران وارد ترید خواهیم شد. کندل اینگلفینگ نشانه اتمام و بسته شدن سفارشات قبل و روند قبلی و آغاز سفارشات جدید است.

ترید در جایی که بازار به صورت سایید در آمده است:

این ستاپ برای سایدهای کوچک که کندل ها در هم فرو رفته اند می باشد.



به کل بالا توجه کنید یک کندل نزولی بزرگ بعد از یک ناحیه سایید کوچک می بینید دلیل اهمیت این کندل نزولی بزرگ که با فلش مشخص کرده ام این است که خریدارانی که در روند سایید اقامه به خرید کرده اند با دیدن این کندل نزولی قوی یا استاپ خورده اند یا بصورت دستی معاملات خرید خود را بسته اند. در ناحیه سایید کوچک اگر خریداران وارد ضرر می شدند به دلیل کوچک بودن ضرر پوزیشن های خود را نمی بستند به امید اینکه نمودار دوباره به حالت صعودی دربیاید ولی با ظاهر شدن این کندل نزولی قوی آنها مجبور به بستن پوزیشن های خود می شوند چون نمیخواهند ضررهای بزرگ و سنگین ببینند و این دقیقا چیزی است که ما می خواهیم با بسته شدن سفارشات خرید سفارشات فروش به دلیل اینکه سدی جلو راه آنها نیست قدرت و شتاب می گیرند و اینجا نقطه ای است که ما وارد پوزیشن فروش می شویم. در اینجا شما احتیاج دارید روانشناسی بازار و افرادی که در خلاف جهت شما ترید می کنند را بدانید.

اگر در اینجا شکست جعلی رخ دهد ما بدلیل کوچک بودن ناحیه رنج به راحتی قادر به کنترل معامله و سر به سر کردن هستیم یا با ضرر اندک می توانیم خارج شویم.



در شکل بالا که نمودار روزانه یورو است یک حالت سایه کوچک در بالای صفحه می بینید. به قسمتی که با فلش مشخص کردم توجه کنید یک کندل نزولی بزرگ بعد از یک حالت سایه که استاپ افرادی که در کف اقدام به خرید کرده اند را زده است .

وقتی چنین کندلی را در تایم روزانه می بینید باید نتیجه بگیرید حرکت نزولی ایجاد شده بسیار قویتر از حالتی است که چنین روندی را در تایم یکساعته مشاهده می کردید. اما بعد از این کندل نزولی بزرگی که میبینید یک حالت درجاذدن کوچک می بینید که نباید شما را نگران کند اتفاقی که اینجا در حال رخ دادن است این است که بانک ها در حال تسویه و نقد کردن بخشی از سفارشات فروش خود هستند که در بالاتر قرار داده اند و بعد از آن اقدام به فروش مجدد خواهند کرد. شما تا زمانی که نمودار کامل به منطقه فروش باز نگشته است نباید سفارشات فروش خود را ببندید.

قوانین و محل گذاشتن استاپ لاس:

دو قانون برای درست اجرا شدن این روش مورد نیاز است:

قانون اول این است که مطمئن شوید که کندلی که یک سطح نزول سایه را شکسته پایینتر از آخرین کندل داخل محدوده سایه بسته شود تا حتما مطمئن شوید که خریداران وارد ضرر شده اند و سفارشات خرید خود را بسته اند. و برای سناریو خرید برعکس حالت بالا را در نظر بگیرید.

درست اندازه حالت سایه یک محدوده سه خطی ایجاد کنید با سه خط بالا و پایین و وسط اگر کندل نزولی که خط را شکسته در محدوده بالایی بسته شد می تواند نشانه برگشت دوباره به محدوده باشد اگر در وسط بسته شد حالت پنجاه پنجاه را در نظر بگیرید و اگر در پایین محدوده بسته شد روند نزولی قوی را در نظر بگیرید.

قانون دوم مربوط به استاپ گذاری است که می توانید در بالای محدوده سایه استاپ خود را قرار دهید یا بالای کندل نزولی بزرگ.

ارائه شده در:

کانال تریگرها

https://telegram.me/TRIGGER_Ha

خلاصه

The purpose of this book was not to teach you a mechanical strategy which you could use to always place winning trades, that would be impossible as the market is always changing. The main point I'm trying to make with this book is to show you how people lose money in the markets.

If you wonder why the strategy section of this book was rather light it's because the information I've given you in understanding how people lose money compliments all trading strategies available.

The trend itself is a universal concept applicable to all traders in the market, which is why it's paramount in understanding when trend and reversal traders are going to place trades because when retail traders place trades it sets up an opportunity for institutional traders to make profits by making them lose.

One cannot survive without the other, both retail and institutional traders depend on each other in order to make their trading decisions.

I understand this book may have been a difficult read in terms of information and understanding, a lot of people may have not fully grasped what I'm trying to get across to them with the book, but my hope is that this book combined with the articles on my site will give people the knowledge they need to make consistent profits from the market.

